

استادان و دانشجویان:

توقف بورسیه‌های تحصیلی فاجعه است



صفحه ۶

نمایندگان هرات:

ما در کجای نظام قرار داریم؟!



نمایندگان مردم ولایت هرات به دلیل عدم سهم‌دهی به این ولایت در پست‌های دولتی و امنیتی در حکومت وحدت ملی، نشست دیروز مجلس را ترک کردند.
نمایندگان مردم هرات در پارلمان دیروز در اعتراض به عملکرد رهبران حکومت وحدت ملی این مجلس را ترک کردند.
آن‌ها اعلام کردند که محمد اشرف‌غنی رئیس‌جمهور و عبدالله عبدالله رئیس‌اجرای حکومت وحدت ملی نسبت به ولایت هرات رفتار تبعیض‌آمیز و ناعادلانه داشته‌اند.
به گفته این نمایندگان، ولایت هرات در حکومت وحدت ملی سهمی ندارد.
نمایندگان ولایت هرات...
ادامه صفحه ۶

کمیسیون انتخابات:

کمیسیون اصلاحات انتخاباتی بر خلاف فرمان رئیس‌جمهوری عمل کرده است



مسئولان کمیسیون انتخابات می‌گویند که رئیس‌جمهور غنی نباید به کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی اجازه دهد که بر خلاف فرمانش کار کند.
کمیسیون انتخابات تأکید دارد که کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی در بسیاری موارد بر خلاف فرمان رئیس‌جمهور کار کرده است.

نورمحمد نور، سخنگوی کمیسیون انتخابات روز گذشته در یک کنفرانس خبری بار دیگر هشدار داد که هیچ‌گونه اقدام غیرقانونی کمیسیون

اصلاحات انتخاباتی را نمی‌پذیرند.
در آستانه آغاز به کار کمیته گزینش که منجر به برکناری تمام کمیشنران کمیسیون‌های انتخاباتی

سرپرست وزارت دفاع:

طالبان و عوامل استخبارات پاکستان در بیمارستان کندز مخفی شده بودند



وزیر دفاع افغانستان روز دوشنبه گفت: بیمارستان سازمان پزشکان بدون مرز در شهر کندز به دلیل آنکه توسط شبه نظامیان درگیر با نیروهای دولتی مورد استفاده بوده هدف بمباران نیروهای امریکایی قرار گرفته است.
به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، معصوم استانک زی، وزیر دفاع افغانستان در مصاحبه‌یی به این خبرگزاری گفت: شبه نظامیان طالبان و احتمالاً عوامل سازمان اطلاعات ارتش پاکستان از تاسیسات بیمارستان سازمان پزشکان بدون مرز در شهر کندز به عنوان یک مکان امن استفاده می‌کردند.
در تاریخ سه اکتبر این بیمارستان از سوی یک هواپیمای AC - ۱۳۰ امریکا بمباران شد که باعث مرگ ۲۲ تن و زخمی شدن تعداد زیادی شد.
ساختمان اصلی این بیمارستان در حال حاضر تا حد زیادی از بین رفته و دیگر فعالیت ندارد.
سازمان پزشکان بدون مرز چندین بار حضور شبه نظامیان طالبان در مکان این بیمارستان را رد کرده

وزیر صحت عامه:

۸۰ درصد معتادان پس

از درمان دوباره بیمار شده‌اند



وزیر صحت عامه می‌گوید که حدود ۸۰ درصد معتادان روی جاده‌های شهر کابل، یک بار تداوی شده‌اند؛ ولی به علت عدم مراقبت و نبود کار، آنان دوباره به مواد مخدر رو آورده‌اند.
فیروزالدین فیروز وزیر صحت عامه و باز محمد احمدی معین مبارزه با...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



میراث دولت وحدت ملی چه خواهد بود؟



آیا ایدیولوژیک شدن دین، ممکن و مطلوب است؟



تروریسم چیست؟



هزینه یک سالهٔ افراط‌گرایی در افغانستان نه میلیارد دالر است

احمد عمران

میراث دولت وحدت ملی چه خواهد بود؟



به میراث گذشته نسبت داده‌اند. این موضوع به صورت عادی، سطح مسوولیت‌پذیری را پایین می‌آورد و سران دولت را در موضع انفعالی قرار می‌دهد. فراقینی کردن حتا در صورتی که در گذشته واقعاً اشتباه‌های کلانی صورت گرفته، نمی‌تواند از مسوولیت‌های دولت فعلی چیزی را بکاهد. دولت گذشته، دولتی ناکارآمد، فاسد، قوم‌گرا و آغشته به هزار مشکل دیگر بود که این مسایل اظهرمن‌الشمس‌اند. اما مردم انتظار ندارند که دولت‌مردان فعلی وقتی خودشان کارایی ندارند، مشکلات خود را به دیگران نسبت دهند. هرچند که ممکن است در این مورد حق به جانب هم باشند. ما ضمن انتقاد از گذشته، باید طرح‌ها و برنامه‌های خود را نیز ارائه کنیم، ورنه انتقاد از گذشته این روزها مثل ماش و نخود در رسانه‌های کشور وجود دارد. انتقاد به تنهایی خود هیچ گرهی از کار فروبسته ما نمی‌گشاید. ما در تمام زمینه‌ها باید صاحب فکر و برنامه باشیم، آن وقت است که مردم به ما باور و اعتماد می‌کنند. همین حالا وجهه دولت وحدت ملی نسبت به روزهای نخست آن به صورت کم‌سابقه خدشه‌دار شده است. آن باوری که مردم در نخستین روزهای تشکیل دولت وحدت ملی نسبت به آن در خود پروراندند بودند، حالا بسیار کاهش یافته است. چرا؟ چون سران دولت وحدت ملی نیز کار آن‌چنانی برای بهبود وضعیت انجام نداده‌اند و یا فرصت پیدا نکرده‌اند که انجام دهند. فراموش نباید کرد که هر دولتی که پس از دولت وحدت ملی روی کار آید، با همین ادبیات انتقادی با میراث دولت وحدت ملی برخورد خواهد کرد!

متفاوتی ارائه نمی‌کند. گفتن حرف‌هایی از این دست که «در گذشته در روند صلح اشتباه‌هایی وجود داشته»، دردی را دوا نمی‌کند و نه حاوی طرح و برنامه است. گفتن چنین جمله‌یی به خودی خود، نشان از تفاوت در موضع و دیدگاه دولت فعلی با دولت پیشین ندارد. وقتی آقای عبدالله به عنوان یکی از رهبران دولت وحدت ملی می‌خواهد گذشته را نقد کند، باید نشان دهد که در گذشته چه اتفاق‌هایی افتاده که حالا قرار نیست تکرار شوند و در ضمن، طرح و برنامه دولت وحدت ملی در رابطه با صلح حاوی چه نکته‌ها و مولفه‌هایی است. انتظار می‌رفت که آقای عبدالله در نشست خبری خود، دست‌کم یک نکته تازه در مورد روند صلح ابراز می‌کرد که لاقلاً این قدر خوش‌بینی به وجود می‌آید که سران دولت وحدت ملی به گونه دیگری می‌اندیشند. بحث اصلی من در این نوشته، توجه به یکی از مقولات اساسی در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی است. ارایه بدیل در سیاست، از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌مداران و اندیشمندان حوزه مطالعات اجتماعی است. وقتی از چیزی انتقاد صورت می‌گیرد، باید راه بیرون‌رفت از معضل و طرح بدیل آن نیز ارائه شود. وقتی ما می‌گوییم که سیاست بازار آزاد ناکارآمد بوده، طرح و برنامه بدیل آن چیست؟ اگر می‌گوییم که در گذشته روند صلح به صورت اشتباه پی‌گیری می‌شده است، باید نشان دهیم این اشتباه‌ها در کجا وجود داشته و ما چه می‌خواهیم انجام دهیم! دولت وحدت ملی در یک سال پس از ایجاد خود، تا هنوز گامی موفقیت‌آمیز در بسیاری از عرصه‌ها برداشته است و اگر انتقادی به آدرس آن ارائه شده، سران دولت به‌ساده‌گی آن را

داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی می‌گوید که در مورد روند صلح اشتباهات گذشته تکرار نخواهد شد. او گفت که اراده دولت در آوردن صلح پایدار متزلزل نشده است. اما به گفته رییس اجرایی، آنان درس‌هایی از گذشته گرفته‌اند که برای امروز مفید است. اکنون سوالی که فوراً ذهن هر پرسش‌گری را به خود مشغول می‌کند، این است که «تعبیر ریاست اجرایی و در مجموع، دولت وحدت ملی از صلح چیست؟» در این‌که دولت پیشین اشتباهات زیادی را در روند صلح و مذاکره با مخالفان مسلح انجام داد، جای شک نیست؛ اما دولت فعلی با چه طرح و برنامه‌یی به سوی صلح خواهد رفت؟ در حال حاضر آن‌گونه که وضعیت کشور نشان می‌دهد، هیچ روزنه‌یی به گفت‌وگوهای صلح باز نشده است. طالبان گفت‌وگوهای صلح را مردود دانسته‌اند و دولت افغانستان نیز به دلیل بی‌اعتمادی‌یی که به دولت پاکستان پیدا کرده، دیگر نمی‌خواهد از مسیر این کشور گفت‌وگوهای صلح را دنبال کند. از جانب دیگر، رییس اجرایی می‌گوید که صلح از موضع ضعیف تأمین شدنی نیست و دولت وحدت ملی از موضع قوت نسبت به این مسأله برخورد می‌کند. این ادبیات، ادبیاتی تازه در مورد صلح نیست. در گذشته نیز دولت‌مردان هرازگاهی نسبت به گفت‌وگوهای صلح انتقادهایی را مطرح می‌کردند و بر این نکته تأکید داشتند که صلح از موضع ضعف برای‌شان قابل قبول نیست. تفاوت این ادبیات با ادبیات دولت وحدت ملی در کجاست؟ به نظر می‌رسد با وجود همه درس‌هایی که از گذشته در مورد روند گفت‌وگوهای صلح وجود دارد، دولت وحدت ملی نیز برداشت

به نظر می‌رسد با وجود همه درس‌هایی که از گذشته در مورد روند گفت‌وگوهای صلح وجود دارد، دولت وحدت ملی نیز برداشت متفاوتی ارائه نمی‌کند. گفتن حرف‌هایی از این دست که «در گذشته در روند صلح اشتباه‌هایی وجود داشته»، دردی را دوا نمی‌کند و نه حاوی طرح و برنامه است. گفتن چنین جمله‌یی به خودی خود، نشان از تفاوت در موضع و دیدگاه دولت فعلی با دولت پیشین ندارد. وقتی آقای عبدالله به عنوان یکی از رهبران دولت وحدت ملی می‌خواهد گذشته را نقد کند، باید نشان دهد که در گذشته چه اتفاق‌هایی افتاده که حالا قرار نیست تکرار شوند و در ضمن، طرح و برنامه دولت وحدت ملی در رابطه با صلح حاوی چه نکته‌ها و مولفه‌هایی است

سخن‌ماندگار

به وضعیت امنیتی ولایت پروان توجه شود

شکایت‌های باشنده‌گان ولایت پروان، از افزایش ناامنی‌ها در مناطقی از این ولایت به‌خصوص در مرکز آن، بیشتر شده است. بر بنیاد شکایت‌ها، شبانگهان در مناطق نزدیک به شهر، شب‌نامه‌هایی از آدرس طالبان پخش می‌شود و در آن کارمندان دولتی را تهدید می‌کنند. همچنین برخی از افراد مسلح غیرمسوول هم، بخشی از مشکلات این ولایت را به بار می‌آورند.

البته چنین مشکلاتی به‌خصوص از آدرس افراد مسلح غیرمسوول در دیگر ولایت‌های کشور نیز وجود دارد، اما زمانی که به پروان به عنوان گلوگاه کابل و اصلی‌ترین نقطه امنیت‌بخش به پایتخت نگاه کنیم، درمی‌یابیم که این ولایت به تأمین امنیت بیشتر نیاز دارد و بایستی سلاح‌های افراد غیرمسوول در این منطقه جمع‌آوری شود و فقط در مواردی خاص - مثل مقاومت در برابر تروریسم - این سلاح به مردم تسلیم داده شود و بس. از اعتصاب داکتران گرفته تا زدوخوردها میان افراد غیرمسوول و یا هم راهگیری و راهزنی شبانه، کار و زنده‌گی را در این ولایت دشوار کرده است. حضور طالبان در برخی از ولسوالی‌های این ولایت نیز بهانه خوبی را برای سلاح به‌دست گرفتن افراد غیرمسوول که بیشتر وابسته به برخی از افراد مشخص‌اند، فراهم کرده است.

قتل‌های عمد و زورگویی‌هایی که از طرف افراد مسلح غیرمسوول صورت می‌گیرد، سبب شده است که مردم نتوانند در کار و زنده‌گی راحت باشند و هر لحظه آن‌ها در تشویش و نگرانی به سر می‌برند. دولت باید نشان بدهد که در این ولایت از داکتران، معلمان و دانش‌آموزان حمایت می‌کند و دست افراد طالبان و افراد مسلح غیرمسوول را از این ولایت کوتاه می‌سازد. مسلماً مخالفت با تحصیل دختران و مخالفت با آموزش و پرورش در نهاد بسا از افراد جامعه ما وجود دارد و وقتی صاحبان چنین ذهنیت‌هایی از قدرت تفنگ برخوردار شوند، جان دانش‌آموز و معلم هم به خطر می‌افتد. نمونه‌های زیادی از این دست در پروان وجود دارد.

همچنین گزارش‌ها می‌رسانند که برخی از افراد مسلح غیرمسوول نیز در مواردی با طالبان شریک‌اند و برخی اختطاف‌های‌شان را در همکاری با طالبان به انجام می‌رسانند. از این‌رو دولت باید یک برنامه منظم برای تأمین امنیت این ولایت روی دست گیرد و طالبان و افراد مسلح غیرمسوولی که برای مردم مزاحمت ایجاد می‌کنند را شناسایی و بازداشت کند.

از آغاز سال جاری، این چندمین بار است که داکتران بیمارستان شهر چاریکار مورد لت‌وکوب مردان مسلح غیرمسوول قرار می‌گیرند و از طرف دیگر، حضور و گشت‌وگذار افراد مسلح غیرمسوول در پروان، نگرانی‌های فزاینده‌یی را در میان باشنده‌گان این ولایت ایجاد کرده است؛ افرادی که حضورشان حتا در مراسم عروسی و خوشی نیز باعث وقوع رویدادهای مرگبار و غم‌انگیز می‌شود.

مردم در بسیاری از مناطق پروان نمی‌توانند پس از تاریک شدن هوا گشت‌وگذار کنند و حتا نمی‌توانند بدون ترس در مزارع و باغ‌های‌شان به کار بپردازند. حال آن‌که پروانی‌ها با توجه به نقش و جایگاه ارزنده‌یی که در فصول افتخارآفرین کشور و نیز در شکل‌گیری نظام کنونی داشته‌اند، مستحق یک زنده‌گی آرام‌تر و بهترند و دولت نباید در حق آنان بی‌مهری کند و نسبت به امنیت، آموزش و زراعت آن‌ها بی‌اعتنا باشد.

هزینه یک سال جنگ در افغانستان

۹ میلیارد دالر است



موسسه برابری برای صلح و دموکراسی پژوهشی را در مورد هزینه‌های افراط گرایی در افغانستان انجام داده که نشان می‌دهد بهای یک سال مبارزه با افراط گرایی بیش از ۹ میلیارد دالر است.

آمار و ارقام این تحقیق از نهادهای دولتی و غیردولتی در افغانستان به دست آمده و از نظرات مردم عام نیز در آن استفاده شده است. تحقیق از ابتدای سال ۲۰۱۴ آغاز شده و هشت ماه را در بر گرفته است. تحقیق نشان داده است که از سال ۲۰۰۱ به این سو ۹۲۰۰ تن شهروندان افغانستان به صورت مستقیم از جنگ آسیب دیده‌اند.

براساس این تحقیق بیشترین بودجه افغانستان برای مبارزه با خشونت ناشی از افراط گرایی مصرف می‌شود و پولی که باید برای بهبود معارف، صحت و برنامه‌های صلح آمیز به مصرف برسد، هزینه جنگ با افراط گرایی می‌شود.

ادریس عمرزاد معاون موسسه برابری برای صلح و دموکراسی روز دوشنبه در یک کنفرانس خبری گفت: «هزینه یک ساله منازعه و افراط گرایی در یک سال مالی در حدود ۹ میلیارد و ۹۱ میلیون دالر امریکایی است. این رقم ۴۴ درصد تولیدات ناخالص و ۱۱۳ درصد بودجه سال ۱۳۹۴ را تشکیل می‌دهد.»

این تحقیق نشان داده است که هزینه هنگفت مبارزه با افراط گرایی، همه عرصه‌های زندگی افغان‌ها را متضرر کرده است. آقای عمرزاد گفت: «وقتی امنیت خوب نباشد سرمایه دار کار کرده نمی‌تواند، مالیه گرفته نمی‌توانیم و سکتور خصوصی رشد نمی‌کند. این‌ها مواردی است که ضربات شدیدی به اقتصاد افغانستان وارد می‌کند.»

تلفات انسانی در این تحقیق تمام پول‌هایی که برای پرورش صلح، تداوی مجروحین و ساخت و ساز ساختمان‌ها و جاده‌ها پرداخته می‌شود محاسبه شده است. در این تحقیق تقاعدی که به سربازان کشته شده داده می‌شود نیز حساب شده است. براساس این تحقیق تلفات سال ۲۰۱۴ نیروهای امنیتی به ۵۰۰۰ هزار تن می‌رسد.

مسوولان این موسسه گفتند که افراط گرایی بیشتر

در یک شبانه‌روز در کابل، بیش از شش هزار تن زباله تولید می‌شود



در پاسخ به اعتراض شهروندان کابل به انباشت زباله در سطح شهر، مسوولان ریاست نظیف شهرداری کابل می‌گویند که دلیل اصلی انباشت زباله و عدم جمع‌آوری آن از سطح شهر، کمبود مواد سوختی و وسایط انتقال‌دهنده زباله بوده است.

نثاراحمد حبیبی، رییس اداره نظیف شهرداری کابل می‌گوید که در یک شبانه‌روز بیش از شش هزار تن زباله از سطح شهر کابل جمع‌آوری می‌شود و حجم انبوه زباله‌های تولید شده، کار جمع‌آوری و پاک‌سازی را با مشکل مواجه ساخته است. به گفته آقای حبیبی، ریاست نظیف در نظر دارد که با امکانات دست‌داشته خود، به زودترین فرصت زباله‌های انباشت شده در سطح شهر را جمع‌آوری کند و شهر را به صورت کامل از وجود کثافات پاک سازد.

در همین حال، کاظم همایون رییس برنامه و راهبرد اداره ملی محیط زیست می‌گوید که دلیل اصلی افزایش زباله‌های شهری، عدم وجود یک برنامه مدون و منظم در سیستم شهرداری کابل است. به گفته آقای همایون، تا هنگامی که یک مدیریت سالم و برنامه‌ی درازمدت برای جمع‌آوری زباله‌ها از سطح شهر، روی دست گرفته نشود، انباشت روزافزون زباله‌های شهری امری طبیعی است.

رییس برنامه و راهبرد اداره ملی محیط زیست می‌افزاید که شهرداری کابل هیچ برنامه‌ی برای جمع‌آوری زباله‌ها، به استثنای حشر عمومی ندارد. آقای همایون می‌گوید که شهرداری برای بازیافت زباله‌های شهری نیز هیچ برنامه‌ی در اختیار ندارد. هر روز به جمعیت شهر کابل افزوده می‌شود و با ساخت وسازهای جدید در حومه شهر، کار جمع‌آوری نیز با دشواری‌های تازه‌ی مواجه می‌شود.

به گزارش سلام وطن دار، شهر کابل، قرن‌ها است که پایتخت کشور است و شهروندان این شهر پیش از این چهار دهه جنگ، از فرهنگ شهرنشینی قابل قبولی برخوردار بودند؛ اما پس از سقوط طالبان و سرازیر شدن مردم به پایتخت و حومه آن، مدیریت صفایی شهر تا اندازه‌ی از دست شهرداری خارج شده و این شهر - که به اولین پایتخت بی‌تثناب جهان نیز مشهور است - در زیر انباری از زباله مدفون شده است.

رییس اجرایی:

به دنبال اصلاحات هستیم

رییس اجرایی دولت وحدت ملی روز دوشنبه در دیدار با ۱۳ تن از سفرای مقیم و نمایندگان اتحادیه اروپا در کابل گفت: انجام اصلاحات در کشور و همکاری با اتحادیه اروپا از برنامه‌های حکومت وحدت ملی است.

در ابتدای این دیدار، رییس اجرایی کشور از همکاری‌های این اتحادیه با دولت و مردم افغانستان قدردانی کرد.

در این نشست سفرای اتحادیه اروپا با موفقیت آمیز خواندن کنفرانس ریکا، اعلام کردند این نشست‌ها زمینه را برای برگزاری ۲ کنفرانس مهم دیگر برای افغانستان در سال ۲۰۱۶ در بروکسل و وارسا هموار می‌سازد.

سفرای اتحادیه اروپا در ادامه این دیدار سوال‌ها و دیدگاه‌های خود را در مورد مسائل مختلف با عبدالله در میان گذاشتند.

در این نشست بحث حکومتداری خوب، اصلاحات انتخاباتی، شناسنامه‌های الکترونیکی، برنامه‌های اقتصادی، میراث حکومت قبلی، کارکردهای حکومت وحدت ملی، روابط خارجی افغانستان، مذاکرات صلح و رابطه با پاکستان، تحولات امنیتی کشور، حادثه قندوز، رابطه مردم و حکومت و کمک‌ها و همکاری‌های موثر اتحادیه اروپا برای افغانستان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در این نشست، سفرا و نمایندگان اتحادیه اروپا همکاری و حمایت همه جانبه خود را از حکومت وحدت ملی اعلام کرده و بر انجام اصلاحات در حکومت وحدت ملی و ارائه خدمات تاکید کردند.

رییس اجرایی با قدردانی از کمک‌های اتحادیه اروپا یک بار دیگر تعهد حکومت وحدت ملی را به انجام اصلاحات و همکاری همه جانبه با این اتحادیه ابراز کرد.

وزیر داخله سابق پاکستان:

رهبر داعش در پاکستان آموزش دیده است



وزیر داخله و رییس سابق اداره اطلاعات پاکستان (آی بی) مدعی است که رهبر گروه تروریستی داعش در مناطق قبایلی این کشور برای شش ماه آموزش دیده است.

به گزارش قدرت نیوز، رحمان ملک وزیر داخله و رییس سابق اداره اطلاعات پاکستان (IB) در یک گفت‌وگوی تلویزیونی مدعی شد: ابوبکر البغدادی رهبر گروه تروریستی داعش در مناطق قبایلی پاکستان به مدت شش ماه آموزش دیده است.

وی اذعان کرد: گروه تروریستی داعش در پاکستان فعال است و «لشکر جهنگوی» و «تحریک طالبان» نیز از این گروه تروریستی پشتیبانی می‌کنند.

وزیر داخله سابق پاکستان اظهار داشت: شاهدالله شاهد سخنگوی سابق تحریک طالبان زمانی که این گروه تضعیف شد همراه حامیان با ابوبکر البغدادی بیعت کرد.

رییس سابق اداره اطلاعات پاکستان همچنین خاطر نشان کرد: شواهد مستند در مورد حضور داعش در کراچی بزرگترین شهر پاکستان، شمال غرب و پیشاور شهر مرکزی ایالت خیبرپختونخوا و همچنین در سایر مناطق قبایلی تحت نظارت دولت فدرال وجود دارد.

وزیر داخله سابق و عضو ارشد حزب مردم پاکستان چندی پیش نیز به خبرنگاران در اسلام‌آباد گفته بود که ابوبکر البغدادی سرکرده گروه تروریستی داعش مدتی قبل در پاکستان زندگی کرده است.

برخی می‌گویند که پیش‌بینی رحمان ملک وزیر کشور سابق و رییس سابق اداره اطلاعات پاکستان در مورد ظهور طالبان پنجابی در این کشور نیز پیش از این ثابت شده بود.

افزایش ازدواج‌های زیر سن در کندهار

مسوولان ساحه‌ی حقوق بشر در کندهار از افزایش ازدواج‌های دختران خردسال در این ولایت خبر می‌دهند. شمس‌الدین تنویر، مسوول دفتر ساحه‌ی حقوق بشر در این ولایت به سلام‌وطندار گفت که در ۶ ماه گذشته ۱۲ قضیه ازدواج دختران زیر سن در این اداره به ثبت رسیده است.

آقای تنویر می‌گوید که امکان دارد این آمار بیشتر باشد، زیرا در مناطق دوردست، شماری از دختران به «بد» داده می‌شوند و خانواده‌ها به دلیل محدودیت‌های فرهنگی این رویدادها را پنهان می‌کنند. او می‌گوید که با شماری از خانواده‌ها در این باره صحبت کرده اند و گفته اند که این گونه ازدواج‌ها مشکلات بسیاری را به وجود می‌آورد و زنده‌گی شمار زیادی از دختران خردسال یک سال پس از ازدواج با خطر روبه‌رو می‌شود. به گفته آقای شمس بی‌سوادی، فقر، خشونت‌های خانواده‌گی، ناامنی‌های جاری در کشور و ناآگاهی مردم از جمله عوامل عمده این ازدواج‌ها هستند.

رقیه اچکزئی، رییس امور زنان کندهار نیز گفت که آموزشگاه‌های کوتاه‌مدتی را برای افزایش آگاهی باشندگان در مورد تأثیر منفی ازدواج‌های زیر سن برگزار کرده اند و اطلاع‌دهی بانوان در این زمینه در اولویت‌های کاری آنان قرار دارد.

مولوی خدای‌داد یکی از علمای دینی در این ولایت می‌گوید که کودکان نعمت‌های خداوند هستند و خانواده‌ها نباید حقوق آنان را زیر پا کنند. او افزود که اسلام به هیچ فردی اجازه نداده است که ازدواج کودکان‌شان را در خردسالی برگزار کنند.

با این که در یک دهه گذشته نهادهای فعال حقوق بشری، عالمان و دیگر نهادها برای جلوگیری از ازدواج‌های زیر سن آموزشگاه‌هایی را برگزار کرده اند، اما هنوز هم چنین قضیه‌هایی در مناطق دوردست دیده می‌شود.



منبع: مجله بازتاب اندیشه، شماره ۸، ملکیان، مصطفی

نمی‌تواند آن را ایدیولوژیک کند.

* پنجم:

پنجمین مؤلفه مذموم ایدیولوژی، آرزواندیشی است. در آرزواندیشی، فرد چیزهایی را می‌پذیرد که از آن‌ها خوشش می‌آید و می‌گوید «الف ب است، چون من خوش دارم که الف، ب باشد». این استدلال گاهی به شکل ناآگاهانه صورت می‌پذیرد. آرزواندیشی در دین هم وجود دارد.

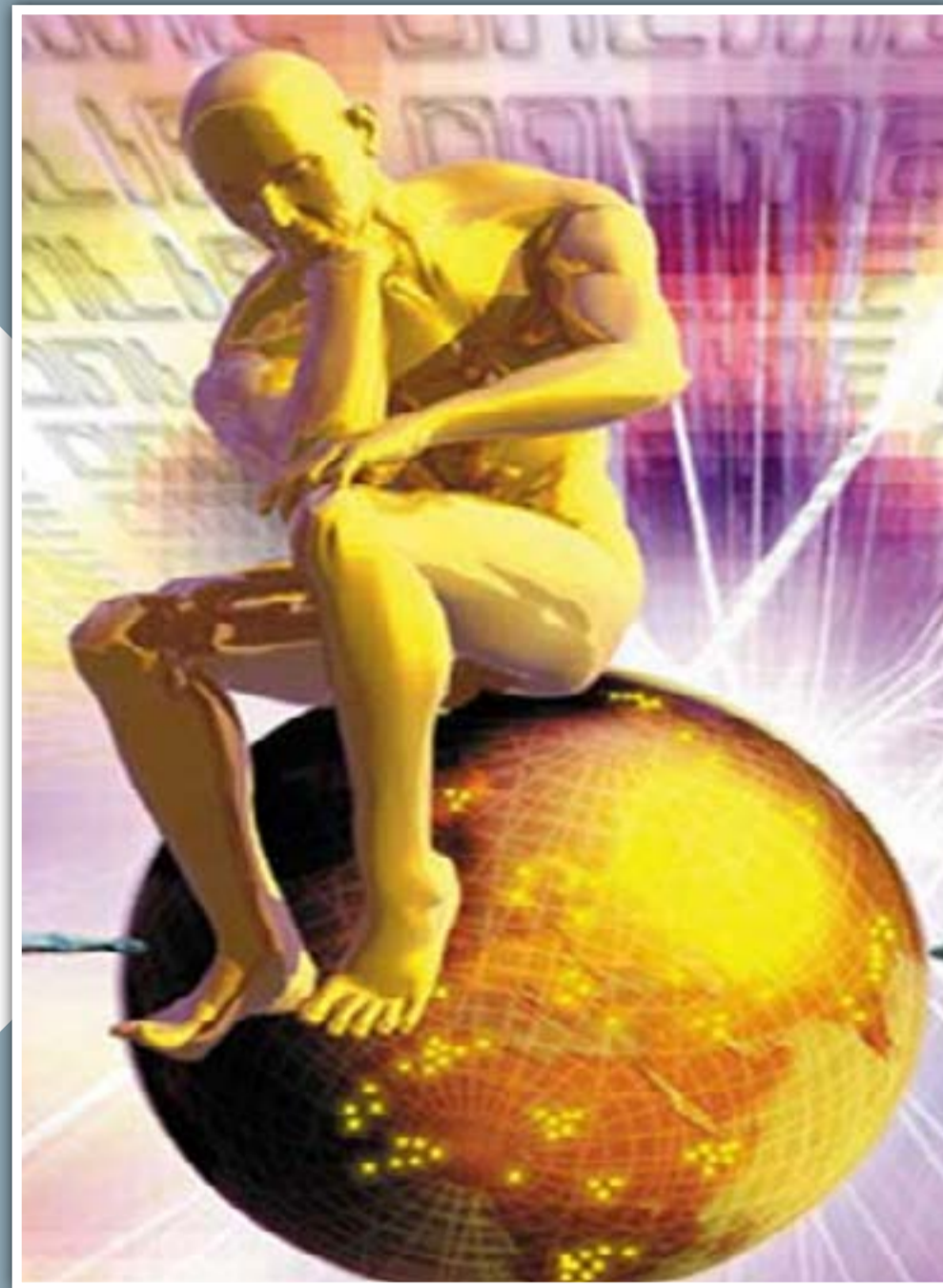
دارد که آدمی را وسوسه می‌کند فکر کند که این احکام و عقاید برای انسانی غیر از انسان واقعا موجود وضع شده است.

* هفتم:

ایدیولوژی‌ها انسان‌ها را به جان هم می‌اندازند، مرزبندی می‌کنند، مخالفت‌زا هستند و نه مخالفت‌زدا. نوعی دشمن‌تراشی دارند. علم

اسلام دینی است که پیروان خود را همواره به تعقل و تفکر و علم‌ورزی تشویق و ترغیب کرده است و از جمود و تحجر و تقلید مذموم از پیشینیان باز داشته است. سراسر قرآن و سنت پیامبر پر است از این گونه تعالیم. اتهام جزم‌اندیشی (به معنای پذیرش یک رأی و بستن گوش خود به روی سخنان مخالف و نفی مطلق تجدید نظر و کارگر نیفتادن استدلال‌های دیگران در مورد آرا و عقاید خود) اگر به ادیان دیگر وارد باشد، به اسلام به هیچ وجه وارد نیست. اسلام دین دعوت به حق و عقل و منطق است. دین جدال احسن و گفت‌وگوی بی‌تعصب است. هم آموزه‌های اسلام و هم تاریخ آن، گواه صادق این مدعاست.

بنابراین جزمیت از اسلام نفی می‌شود



آیا ایدیولوژیک شدن دین، ممکن و مطلوب است؟

عموم نویسندگان و متفکرانی که در ایران از ایدیولوژیک کردن دین یا دین ایدیولوژیک صحبت کرده‌اند، از لفظ ایدیولوژی، معانی‌یی را مراد کرده‌اند که غیر از معانی متعارف در عرف فلسفی و سیاسی غرب است. این واژه حتا برای نویسندگان ایرانی نیز به یک معنا نبوده است. گاهی مسأله از این هم مغشوش‌تر می‌شود و در نوشته‌های یک فرد واحد هم بعضاً به چند معنا به کار می‌رود. به گفته آن حکیم چینی، همه ظلم‌هایی که در جهان رخ داده است، ابتدا ظلم بر کلمات بوده است؛ زیرا آشفته‌گی در کلمات، خاستگاه سوءتفاهم و ایجاد تخاصم است. منتقدان شریعتی از این آفت زیاد بهره برده‌اند و ایدیولوژی را گاهی به معنای نظریه انقلاب گرفته‌اند و گاهی به معنای دنیوی شدن. اما به گمان من، شریعتی دین را ایدیولوژیک نکرده است؛ زیرا دین خودش ذاتاً ایدیولوژیک است. البته برخی ویژه‌گی‌ها در ایدیولوژی هست که در دین نیست و به این معنا شریعتی هم دین را ایدیولوژیک نکرده است.

با همه این احوال، یک نقطه مشترک وجود دارد و آن بار منفی عاطفه‌یی است که سبب به ایدیولوژی و دین ایدیولوژیک وجود دارد. این بار منفی در فضای فرهنگی غرب نیز وجود دارد. با وجود توافق همه‌گان بر بار منفی ایدیولوژی، هر کس این بار منفی را از زاویه خاص در نظر می‌گیرد. من این موارد منفی را دسته‌بندی کرده ام و توانسته‌ام هفت خصلت با بار منفی تشخیص دهم:

* یکم:

ایدیولوژی عقیده‌یی است که پذیرش آن بدون دلیل است. البته این نکته نیز غیرقابل انکار است که بسیاری عقاید ما هیچ دلیلی ندارد. دین به این معنی ایدیولوژیک است. هیچ انسان دینی را نمی‌توان پیدا کرد که بتواند برای مجموعه عقاید و اعتقادات خود، دلیل و استدلال داشته باشد. دین از آن جهت که دین است، نمی‌توان برای تمامی گزاره‌هایش، استدلال منطقی و عقلی ارایه کرد.

* دوم:

ایدیولوژی معمولاً جزمیت دارد. جزمیت یعنی پس از اتخاذ یک رأی، گوشی برای شنیدن رأی مخالف نداشته باشیم. جزمیت، نوعی نفی مطلق تجدید نظر در آرا و عقاید و کارگر نیفتادن استدلال‌های دیگران در مورد آرا و عقاید یک فرد. همه ادیان به این معنی ایدیولوژیک هستند؛ زیرا همه ادیان اصول و عقایدی دارند که عدول از آن‌ها را ممکن نمی‌دانند.

* سوم:

ایدیولوژی‌ها به دلیل جزمیتی که دارند، معمولاً به تغییر، روی خوش نشان نمی‌دهند و اگر هم به تغییر، روی خوش نشان بدهند، پس از مجادلات و شکست‌های زیاد و مکرر و از سر اجبار است. به این معنی دین هم ایدیولوژیک است. تلقی‌های سنت‌گرایانه و بنیادگرایانه به هیچ وجه با مقوله تغییر کنار نمی‌آیند. اگر هم اندک تغییری پذیرفته می‌شود و دگرگونی‌ها را استقبال می‌کنند، از جانب تلقی‌های تجددگرایانه دینی است.

* چهارم:

ایدیولوژی‌ها بعضاً در پی ارضای منافع گروهی خاص قدم برمی‌دارند. ایدیولوژی‌ها در واقع دو کار انجام می‌دهند. اولاً طرز برخورد یک گروه را با جهان منعکس می‌کنند و ثانیاً منافع این گروه خاص را در جهان، تأمین و ارضای می‌کنند. به همین دلیل است که ایدیولوژی معمولاً مضاف الیه دارد. مانند ایدیولوژی جنسیت، ایدیولوژی سرمایه‌داری و... اما علم مطلق است و نمی‌توان گفت فیزیک بورژوازی، شیمی اسلامی و... هر دینی از آن جهت که به هر حال منافع گروهی خاص را تأمین یا تحکیم می‌کند، خصلت ایدیولوژیک دارد و کسی

این ویژگی به چشم می‌خورد و به روشنی مراد خود را از ایدیولوژی بیان کرده‌اند. اما جای این سؤال وجود دارد که آیا ایدیولوژی‌ها تنها دارای ویژه‌گی‌های منفی هستند و هیچ ویژه‌گی مثبتی ندارند؟ همه‌گان قبول دارند که باطل محض، طرف‌دار پیدا نمی‌کند و ایدیولوژی‌ها واجد خصیصه‌های مثبتی نیز هستند که توانسته‌اند طرف‌دار پیدا کنند و تا حدود زیادی ماندگار باشند. حال که چنین است، انصاف حکم می‌کند همه ویژه‌گی‌های آن‌ها، اعم از مثبت و منفی ذکر می‌شود، تا به داوری منصفانه‌تری در باب ایدیولوژی‌ها و سپس تطبیق ویژه‌گی‌های آن‌ها بر ادیان دست می‌یافتیم.

۲) همچنان که آقای ملکیان گفته‌اند خاستگاه این مباحث غرب است. روشن‌فکران ایرانی نیز در این بحث‌ها پیرو همان بحث‌هایی هستند که فیلسوفان غربی مطرح کرده‌اند. بنابراین برای فهم درست مسأله باید به زمینه فرهنگی آن نیز توجه داشت. هنگامی که در آن‌جا از ایدیولوژی و تطبیق آن بر دین سخن به میان می‌آید، فرهنگ مسیحی به صورت پیش‌زمینه بحث حضور دارد. اما در جامعه مسلمان هنگامی که از دین سخن به میان می‌آید، الگوی اسلام در اذهان متبادر می‌شود. از این روست که باید به تفاوت‌های این دو دین و در نتیجه به تفاوت‌های پیش‌زمینه‌های بحث توجه جدی داشت. یکسان‌انگاری اسلام و مسیحیت تنها از سوی ناآشنایان به این دو دین صورت می‌پذیرد.

۳) ویژه‌گی‌های هفتگانه‌یی که برای ایدیولوژی‌ها ذکر شده است، بعضاً قابل تطبیق بر مسیحیت هستند (مثلاً موارد یکم، دوم، سوم و هفتم) اما هیچ یک از آن‌ها قابل تطبیق بر اسلام نیستند. در ادامه، نظری کوتاه به تک تک موارد یاد شده می‌اندازیم و آن‌ها را با اسلام مقایسه می‌کنیم.

۴) اگر ایدیولوژی عقیده‌یی است بی دلیل، اسلام دینی است که پذیرش آن از روی دلیل است. البته مقصود از دلیل، تنها دلیل فلسفی و برهانی نیست، بلکه هر نوع دلیلی است که در عرف عقلا به عنوان یک روش معرفت‌بخش به رسمیت شناخته شده باشد؛ خواه دلیل منطقی باشد یا دلیل تجربی و یا تاریخی. اگر پایه‌های اصلی اعتقادات دینی مدلل باشند و با ادله کافی حجیت و اعتبار وحی به اثبات برسد، آن‌گاه دیگر لازم نیست برای تک تک آن‌چه در قرآن آمده است، دلیل آورد. هنگامی که ثابت می‌شود که قرآن از جانب خدایی آمده است که همه چیز را می‌داند و به مصالح ما آگاهی کامل دارد و خیر ما را بهتر از خود ما می‌خواهد، آنگاه با اطمینان کامل و عقلایی می‌توان به آن اعتماد کرد و سخنان آنان را پذیرفت. برای عقلایی بودن یک گزاره لازم نیست که حتماً مستقیماً برخورد آن استدلال کنیم. کافی است آن را از کسی بشنویم که هم صادق‌القول باشد و هم خطا نکند. بنابراین انسان دینی برای مجموعه عقاید خود دلیل دارد، ولی نه به معنای دلیل مستقیم بر تک تک گزاره‌های دینی، که چنین چیزی نه لازم است و نه ممکن.

۵) اسلام دینی است که پیروان خود را همواره به تعقل و تفکر و علم‌ورزی تشویق و ترغیب کرده است و از جمود و تحجر و تقلید مذموم از پیشینیان باز داشته است. سراسر قرآن و سنت پیامبر پر است از این گونه تعالیم. اتهام جزم‌اندیشی (به معنای پذیرش یک رأی و بستن گوش خود به روی سخنان مخالف و نفی مطلق تجدید نظر و کارگر نیفتادن استدلال‌های دیگران در مورد آرا و عقاید خود) اگر به ادیان دیگر وارد باشد، به اسلام به هیچ وجه وارد نیست. اسلام دین دعوت به حق و عقل و منطق است. دین جدال احسن و گفت‌وگوی بی‌تعصب است. هم آموزه‌های اسلام و هم تاریخ آن، گواه صادق این مدعاست. بنابراین جزمیت از اسلام نفی می‌شود.

این گونه نیست، اما دین مرزبندی می‌کند. هر یک از ادیان خود را برحق و دیگر ادیان را برباطل می‌دانند. بر ذهن دین‌داران، و یا لاقلاً اغلب دین‌داران، نوعی نگاه طردگرایانه و حذف‌گرایانه غالب است. به همین دلیل، دین ذاتاً ایدیولوژیک است و کسی نمی‌تواند آن را ایدیولوژیک کند.

* نقد و بررسی

۱) یکی از ویژه‌گی‌های مثبت آثار آقای ملکیان، روشن‌گویی و پرهیز از ابهام است. در این‌جا نیز

و یکی از رمزهای جاودانه‌گی دین است. ادیان عواطف انسانی را نوازش می‌کنند.

* ششم:

ایدیولوژی‌ها عموماً اتریپایی اند؛ یعنی خیال‌پردازانه و رؤیایگونه هستند. رؤیای‌پرور بودن روی دیگر سکه‌اش، غیر عملی بودن است. ایدیولوژی‌ها از انسان چیزی می‌خواهند که فوق وسع انسان است. ادیان هم به اتریپا توجه دارند. اگر در دین ۱ هم نباشد، در دین ۲ و ۳ به وضوح وجود دارد. نوعی خلاف واقع‌بینی در احکام و عقاید دینی وجود

بخشی از مصاحبه جیووانی بور ادوری با ژاک دریدا درباره مفهوم تروریسم، فبروری ۲۰۰۴

نیست و دولت‌هایی که غیرمستقیم به او کمک می‌رسانند، به عنوان دولت اقدام نمی‌کنند؛ هیچ دولتی، به طور علنی، از او حمایت نمی‌کند و مشکل بتوان دولت‌های پناه‌دهنده به شبکه‌های تروریستی را شناسایی کرد.

ایالات متحده آمریکا و اروپا، همچنین لندن و برلین، پناهگاه و محل‌های آموزش و کسب اطلاعات برای همه «تروریست‌های» جهان هستند. مدت‌هاست که دیگر برای شناسایی پایگاه عملیاتی این تکنولوژی‌های جدید ارتباطات و تهاجم، نسبت دادن آن به جغرافیا و یا «سرزمین» معینی جایز نیست (برای تعمق و تدقیق آنچه در بالا در مورد تهدید تمام عیار از محلی ناشناس و غیر دولتی ذکر شد، این را هم سریع و گذرا بگویم که تهجمات از نوع تروریستی، دیگر نیازی به هواپیما، بمب و داوطلب عملیات انتحاری نخواهد داشت؛ کافی است ویروسی در برنامه‌های کمپیوتری که داری اهمیت استراتژیکی هستند وارد کرد، و یا به منظور فلج کردن منابع اقتصادی، نظامی و سیاسی در یک کشور یا در یک قاره، اغتشاشات خطرناکی به وجود آورد. این گونه عملیات می‌تواند در هر کجای دنیا و با هزینه و ابزار محدود عملی شوند).

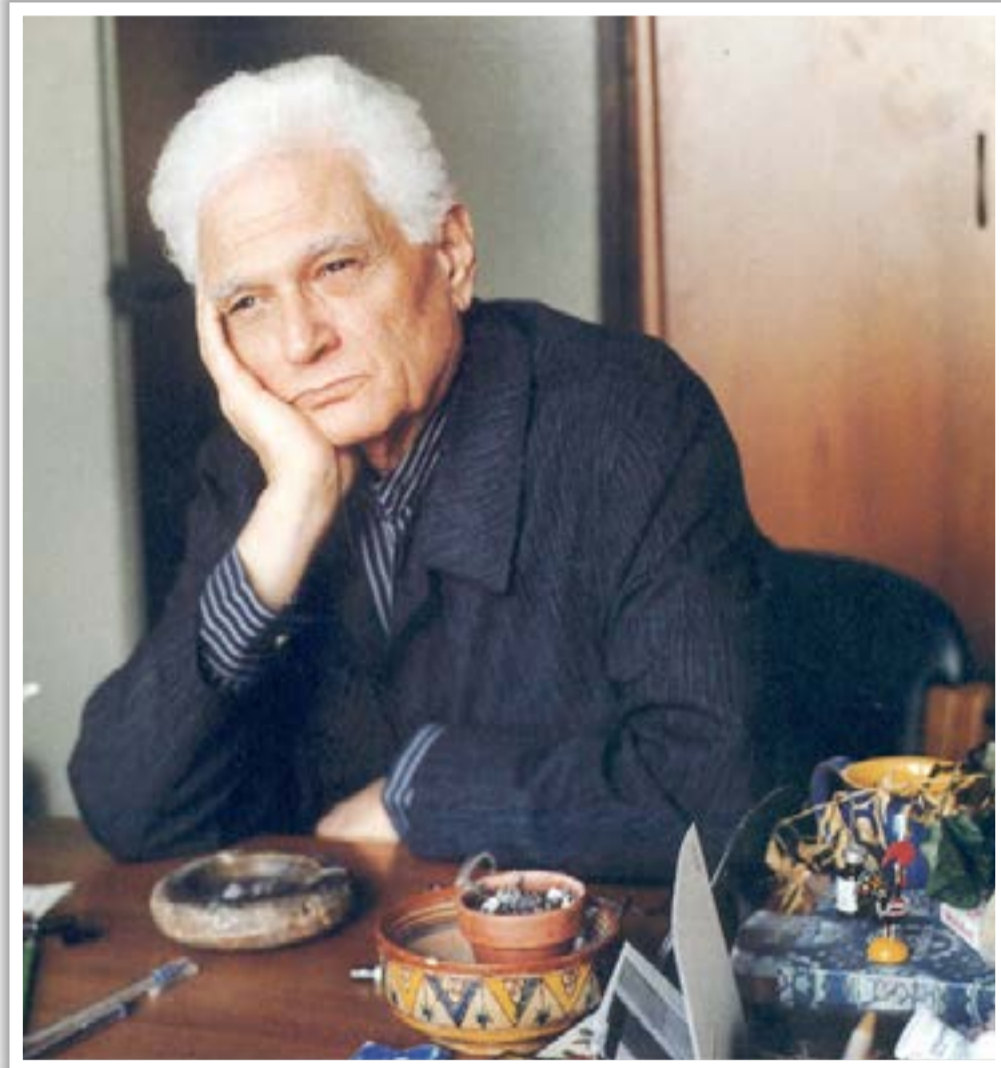
دیگر رابطه بین زمین، سرزمین و ترور تغییر کرده است. باید دانست که علت آن دانش است، یعنی تکنولوژی - علم. این تکنولوژی - علم است که تشخیص جنگ از تروریسم را معشوش می‌کند. از این منظر، در مقایسه با امکانات ویرانگر و آشوب‌های قیامتی که برای آینده، در مخزن شبکه‌های کمپیوتری جهان ذخیره شده‌اند، واقعه یازده سپتمبر، از نوع نمایش‌های باستانی خشونت است که هدفش تشویش اذهان عمومی است. فردا می‌توان بی‌سروصدا و به طور نامرئی، آن‌هم سریع و بدون خونریزی، با حمله به «نت‌ورک»‌های کمپیوتری که همه حیات (اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره) یک کشور بزرگ یا بزرگ‌ترین قدرت جهان به آن وابسته است، ضربه بدتری وارد کرد. روزی خواهند گفت: یازده سپتمبر

حتا اگر اصرار داشته باشیم از «تروریسم» حرف بزنیم، این اصطلاح، مفهومی تازه و وجوه تمایز جدیدتری را در بر می‌گیرد.

* فکر می‌کنید می‌شود تمایزات مربوط به اصطلاح «تروریسم» را مشخص کرد؟

از همیشه مشکل تر است، اگر نخواهیم کورکورانه از زبان رایج پیروی کنیم؛ زبانی که اغلب پیرو سخنوری‌های وسایل ارتباط جمعی و یا نمایش‌های کلامی قدرت سیاسی مسلط است، می‌بایستی وقتی عبارت «تروریسم» و به ویژه «تروریسم جهانی» را به کار می‌بریم، محتاط باشیم. ابتدا باید دید ترور چیست، و چه چیزی ترور را از ترس، نگرانی و هراس متمایز می‌کند. لحظه‌ی پیش، وقتی گفتم رویداد یازده سپتمبر «واقعه»‌ی عظیمی است، زیرا آسیب روحی عمیقی بر آگاه و ناخودآگاه وارد کرده، و گفتم که این نه به‌خاطر آن چیزی است که اتفاق افتاده، بلکه به سبب تهدید نامشخص آینده‌ی است خطرناک‌تر از جنگ سرد؛ در آن‌جا از کدام یک حرف می‌زدیم: از ترور، ترس، هراس یا اضطراب؟

وجه تمایز بین تروری که طراحی، تولید و تنظیم شده با این «ترس» که نزد بخش بزرگی از سنت فکری، از هابز گرفته تا اشمیت و یا حتا والتر بنیامین، به عنوان شرط اقتدار قانون و شرط اعمال خودمختار قدرت و حتا شرط سیاست و دولت قلمداد می‌شود، چیست؟ در «لویاتان» هابز تنها از «fear» ترس حرف نمی‌زند، از «terror» ترور هم می‌گوید. بنیامین در مورد دولت می‌گوید: گرایش دولت بر این است که با تهدید، به طور مشخص، خشونت را به انحصار خود درآورد. البته خواهند گفت که هر تجربه‌ی در ترور، حتا اگر ویژه‌گی خود را داشته باشد، لزوماً نتیجه تروریسم نیست. در این شکی نیست، ولی تاریخ سیاسی کلمه «تروریسم» از مراجعه به «تروریسم انقلابی» فرانسوی ناشی شده است؛



تروری که به نام دولت اعمال شد و دقیقاً با این فرض که انحصار مشروع خشونت از آن اوست.

* اگر به تعاریف رایج و صریح قانونی از تروریسم مراجعه کنیم، چه می‌یابیم؟

در این تعاریف، تروریسم ناظر به جنایتی است که علیه حیات انسانی و با تجاوز از قوانین ملی و بین‌المللی رخ می‌دهد. بر اساس این تعریف، هم نظامیان از مردم متمایز می‌شوند (قربانیان تروریسم عمدتاً غیرنظامی تصور می‌شوند) و هم این‌که، هدفی سیاسی مد نظر قرار می‌گیرد (ترساندن و مرعوب کردن مردمان غیرنظامی به منظور تأثیر گذاشتن و یا تغییر سیاست یک کشور). در نتیجه، تعاریف موجود، «تروریسم دولتی» را حذف نمی‌کنند. همه تروریست‌های دنیا مدعی‌اند که عمل‌شان پاسخی است برای دفاع از خود علیه تروریسم دولتی که به این عنوان عمل نمی‌کند و با استدلال‌های کم‌وبیش معتبر اعمال خود را توجیه می‌کند.

مثلا و به ویژه، از اتهاماتی که علیه آمریکا وجود دارد،

اطلاع دارید. این کشور متهم به اعمال و تشویق تروریسم دولتی است. از طرف دیگر، حتا در دوران جنگ‌های «اعلام شده»ی دولت با دولت، در اشکال قدیمی حقوق اروپا، تجاوزات تروریستی رایج بود. قرن‌ها پیش از بمباران‌های کم‌وبیش شدیدی که در طی دو جنگ جهانی اخیر انجام شد، ارباب مردم غیرنظامی حربه‌ی معمولی بود.

در این‌جا باید کلمه‌ی هم در مورد «اصطلاح» تروریسم بین‌المللی بگویم که آبخشور گفتمان‌های سیاسی رسمی در همه جهان است. این اصطلاح را در بسیاری از قطعنامه‌های رسمی سازمان ملل هم می‌بینیم. بعد از یازده سپتمبر، اکثریت قریب به اتفاق نماینده‌گان (درست به خاطر ندارم؛ شاید هم اکثریت مطلق، باید دید). چیزی را که تروریسم بین‌المللی می‌نامند، محکوم کرده‌اند؛ همان‌طور که این امر، طی سال‌های گذشته، چندین بار اتفاق افتاده است. تا جایی که کوفی عنان در جریان جلسه‌ی که از تلویزیون پخش می‌شد، به بحث‌های فراوانی که پیش از رای‌گیری انجام شده بود، اشاره کرد و گفت: حتا در لحظه‌ی که نماینده‌گان آماده می‌شدند تا به محکومیت آن رای دهند، بعضی از دولت‌ها، در مورد روشی این برداشت از تروریسم بین‌المللی و ملاک‌هایی که موجب شناسایی آن می‌شوند، اظهار تردید کردند. چیزی که در این برداشت‌ها، گنگ، جزمی یا غیرنقدانه است؛ مثل بسیاری از مفاهیم حقوقی که پیامدهای سنگینی دارند، مانع از این نمی‌شود تا قدرتهای موجود و به‌اصطلاح مشروع، آنگاه که به نظرشان مناسب برسد، از آن‌ها استفاده نکنند.

برعکس، هر چه بیش‌تر مبهم‌تر باشد، بیشتر به درد تصاحب فرصت‌طلبانه می‌خورد. وانگهی، به دنبال همین تصمیمات عجولانه و بدون کمترین بحث فلسفی در مورد تروریسم بین‌المللی و اعلان محکومیت آن بود که سازمان ملل به دولت آمریکا اجازه داد تا برای حفاظت خود، از هر وسیله‌ی که مناسب دید، در برابر به اصطلاح «تروریسم بین‌المللی» استفاده کند.

حالا اگر به عقب برگردیم و یا حتا چیزی را که به‌درستی این روزها تکرار می‌شود متذکر نشویم که تروریست‌ها می‌توانند در مقطعی به مثابه مبارزان آزادی مورد ستایش قرار گیرند و در مقطعی دیگر به عنوان تروریست مورد تقبیح واقع شوند (که اغلب همان مبارزان و با همان اسلحه هستند). معذراً، نباید فراموش کنیم که در مورد تشخیص ملی یا بین‌المللی بودن تروریسمی که تاریخ الجزایر، ایرلند شمالی، کرس و یا اسرائیل و فلسطین را تحت‌الشعاع قرار داده است، با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهیم بود.

هیچ‌کس نمی‌تواند منکر شود که نوعی تروریسم دولتی در سرکوب الجزایری‌ها توسط دولت فرانسه از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲ وجود داشته است. وانگهی، تروریسم مبارزان الجزایری تا مدت‌های مدیدی به عنوان پدیده‌ی محلی تلقی می‌شد؛ زیرا الجزایر، در آن زمان، بخشی از سرزمین ملی فرانسه به حساب می‌آمد؛ همان‌طور که تروریسم دولت فرانسه نیز به عنوان عملیات پولیسی و امنیت داخلی معرفی می‌شد. تازه، پس از گذشت ده‌ها سال، در سال‌های ۱۹۹۰ مجلس فرانسه به این مخاصمه عنوان «جنگ» داد (یعنی مقابله بین‌المللی)، آن‌هم با این هدف که بتواند به مطالبه حقوق بازنشسته‌گی پارتیزان‌های فرانسوی پاسخ مثبت دهد.

این قانون چه چیزی را آشکار می‌کرد؟ این‌که می‌بایست و می‌شد، برای توصیف چیزی که پیش از آن در الجزایر محجوبانه و به حق «وقایع» نامیده شده بود، عناوین استفاده شده تا آن روز را تغییر داد (یک بار دیگر، اذهان عمومی از نامی مناسب برای آن «چیز» محروم شد). از طرفی، اختناق مسلحانه به عنوان عملیات پولیس داخلی و تروریسم دولتی یک‌مرتبه به «جنگ» تبدیل شد و از طرف دیگر، از این پس، در بخش عظیمی از دنیا، تروریست‌ها به عنوان مبارزان راه آزادی و قهرمانان استقلال ملی شناخته شده و می‌شوند. و اما، تروریسم گروه‌های مسلحی که تأسیس دولت اسرائیل و به رسمیت شناختن آن را تحمیل کردند، آیا ملی بود یا بین‌المللی؟

از چه زمانی، تروریسمی می‌تواند به این عنوان دیگر تقبیح نشود و به مثابه تنها منبع و امکان مبارزه مشروع مورد ستایش قرار گیرد؟ یا برعکس! در کجا می‌توان مرز بین ملی و بین‌المللی را قرار داد؟ مرز بین پولیس و ارتش؛ مرز دخالت برای «حفظ صلح» و جنگ؛ فرق تروریسم و جنگ؛ مرز بین نظامیان و مردم غیرمسلح در سرزمینی و در ساختارهایی که امکانات دفاعی یا حمله‌ی یک «جامعه» را تأمین می‌کنند، در کجا است؟

من کلمه «جامعه» را همین‌طوری و کلی به کار می‌برم؛ زیرا در مواردی، مجموعه‌های سیاسی کم‌وبیش سازمان‌یافته و فعالی وجود دارند که نه دولت‌اند و نه غیر از آن؛ بلکه دولت بالقوه‌اند؛ مثل آن‌چه، امروز، فلسطین یا دولت خودگردان فلسطین می‌نامیم.

* برگردان: آریتا نیکنام

* این‌که یازده سپتمبر، رویداد عظیمی است یا نه، به جای خود؛ ولی شما در این مورد چه نقشی برای فلسفه قایلید؟ آیا فلسفه می‌تواند در فهم این واقعه به ما کمک کند؟

بدون شک، چنین «واقعه»‌ی نیازمند پاسخی فلسفی است؛ یا بهتر بگویم، جوابی لازم است تا افراطی‌ترین پیش‌فرض‌هایی که در گفتمان‌های فلسفی، بیش از بقیه بینش‌ها ریشه دوانده‌اند را زیر سوال ببرد. این بینش‌ها که اغلب اوقات در آن‌ها «واقعه» توصیف، ذکر و گروه‌بندی شده است، از «جوابی جزمی» ناشی می‌شوند که بدون اندیشه جدید فلسفی، نمی‌توان از آن بیدار شد؛ بدون تأملی بر فلسفه، به‌ویژه بر فلسفه سیاسی و ارنیه آن. گفتمان رایج، یعنی گفتمان وسایل ارتباط جمعی و لفاظی‌های رسمی، خیلی راحت، به برداشت‌هایی مثل «جنگ» یا «تروریسم» (ملی یا بین‌المللی) تکیه می‌کند. مثلاً قرائتی انتقادی از کارل اشمیت (۱) بسیار مفید به نظر می‌رسد؛ از طرفی، باید تا حد ممکن، بین جنگ‌ها تفاوت قایل شد: بین جنگ کلاسیک (که در سنت حقوق اروپایی به درگیری مستقیم و اعلام شده بین دو دولت متخاصم گفته می‌شود) و «جنگ داخلی» و یا «جنگ پارتیزانی» (که از همان اوایل قرن نوزده در اشکال جدیدی ظاهر شده و مورد قبول اشمیت است). ولی از طرف دیگر، می‌بایست در مخالفت با اشمیت اذعان کنیم: خشونتی که امروز طغیان کرده است، ناشی از جنگ نیست، این اصطلاح «جنگ علیه تروریسم» بسیار مبهم است، باید این ابهام و منافعی که با سوءاستفاده زبانی ادعای خدمت به آن می‌شود را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. بوش از «جنگ» حرف می‌زند، ولی از تعیین هویت دشمنی که به او اعلام جنگ داده، ناتوان است. این حرف، بارها گفته شده که مردم و ارتش افغانستان دشمن آمریکایی‌ها نیستند.

حالا، به فرض این‌که بن‌لادن در آن‌جا تصمیم گیرنده بلانماز باشد، ولی همه می‌دانند که او افغانستانی نیست و از کشورش رانده شده است (همان‌طور که تقریباً و بدون استثنا از طرف همه کشورها و تمامی دولت‌ها طرد شده است) و این‌که، تا چه حد، خود شکل‌گیری سازمانش مدیون آمریکا است؛ به ویژه این‌که، او تنها

استادان و دانشجویان:

توقف بورسیه‌های تحصیلی فاجعه است

ابوبکر مجاهد

ندادن بورسیه‌های تحصیلی برای دانشجویان از طرف وزارت تحصیلات عالی، بی‌عدالتی در حق جوانان است.

شماری از دانشجویان و استادان دانشگاه با بیان این مطلب می‌گویند، ندادن بورسیه‌های تحصیلی برای دانشجویان، باز داشتن جوانان از تکنالوژی روز است که ضرر آن متوجه نخبگان و آینده کشور می‌شود. وزارت تحصیلات عالی، به دلیل نبود بودجه، دیگر جوانان را به کشورهای بیرونی به منظور تحصیل نمی‌فرستد.

دانشجویان تأکید می‌کنند، متوقف ساختن بورسیه‌های تحصیلی یک فاجعه برای دانشجویان است و یکی از عوامل فرار جوانان تحصیل کرده از کشور، این است که دولت نتوانسته زمینه تحصیل را برای این قشر آماده کند.

آنان بایان این که کسر بودجه و متوقف شدن بورسیه‌های تحصیلی سوال بر انگیز است؛ می‌گویند: هزینه این بورسیه‌ها را کشورهای ایران، هند، ترکیه، پاکستان و ... می‌پردازند.

اما، مسوولان در وزارت تحصیلات عالی علت توقف بورسیه‌های دانشجویان را نبود هزینه در این وزارت عنوان می‌کنند.

آصف جلال‌زی رییس نشرات روابط عامه وزارت تحصیلات عالی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: هزینه‌هایی که برای بورسیه‌های تحصیلی هر سال در اختیار وزارت تحصیلات عالی قرار می‌گرفت، در سال روان به علت کسر بودجه، این هزینه پرداخت نشد.

آقای جلال‌زی تصریح کرد: «در سال روان ۲۷۳۵ دانشجویان آماده به بورسیه‌های تحصیلی هستند، اما به بورسیه‌های جدید در وزارت تحصیلات عالی هزینه وجود ندارد؛ تنها افرادی که در حال حاضر بیرون از کشور مصروف تحصیلات هستند، هزینه مصارفشان پرداخت می‌شود.»

به گفته او، وزارت تحصیلات عالی در تلاش است که با تفاهم با سفارت‌خانه و نهادهای کمک‌کننده در افغانستان، بتواند زمینه فرستادن جوانان به بورسیه‌های تحصیلی را دوباره فراهم کند.

رییس نشرات وزارت تحصیلات عالی می‌افزاید: پیش از این، شماری از سفارت‌خانه‌ها بورسیه‌ها را به شکل آزاد اعلان می‌کردند، اما در سال روان وزارت تحصیلات از آنها خواسته است که بورسیه‌های تحصیلی را در اختیار این وزارت قرار دهند.

آقای جلال‌زی گفت: هر سال نظر به هزینه‌هایی که در اختیار وزارت تحصیلات قرار می‌گرفت، شمار زیادی از دانشجویان را به تحصیلات بیرون از کشور می‌فرستادیم.

در این حال، محمد اکرام، دانشجو در دانشگاه



استاد برهان‌الدین می‌گوید: مسدود شدن بورسیه‌های تحصیلی دانشجویان از طرف وزارت تحصیلات عالی، بی‌عدالتی در حق جوانان و قشر دانشجویان است. به گفته او، هرگاه به نظام کشورهای همسایه توجه شود، دیده می‌شود که نهادهای آموزشی و تحصیلی بهترین هزینه را در اختیار دارند؛ اما در افغانستان به این نهادها توجه اندک نمی‌شود.

این دانشجو تصریح کرد: بورسیه‌های تحصیلی در وزارت تحصیلات عالی به اساس استعداد نه، بیشتر به شکل روابط و شناخت تقسیم می‌شود، بیشتر کسانی که به بورسیه فرستاده می‌شوند، فرزندان وزرا، وکلا، رؤسا، قوماندانان و ... افراد زورمند و پول‌دار بودند.

او می‌گوید: تحقیق‌های انجام شده از طرف دانشمندان نشان می‌دهد که یگانه علت افزایش پرخاشگری در افغانستان پایین بودن سطح تحصیلات است.

اما، عزیز بختیاری رییس و استاد دانشگاه کاتب می‌گوید: بیشتر تمویل‌کنندگان بورسیه‌های تحصیلی، کشورهای کمک‌کننده هستند و هزینه بسیار اندک آن را وزارت مالیه پرداخت می‌کند.

آقای بختیاری بایان این که کسر بودجه و متوقف شدن بورسیه‌های تحصیلی سوال بر انگیز است، می‌گوید: هزینه این بورسیه‌ها را کشورهای ایران، هند، ترکیه، پاکستان و ... می‌پرداختند.

او می‌تصریح کرد: «توقف بورسیه‌ها، تأثیر منفی روی تحصیل و ترقی جوانان دارد، وقتی راه بیرون رفتن جوانان را از تحصیل ببندیم، کشور از نبود کدرهای علمی و متخصص متضرر خواهد شد.»

آقای بختیاری می‌گوید: شمار بیشتر بورسیه‌ها که برای دانشجویان داده می‌شود، به اساس استعداد بود، اما شمار اندک این بورسیه‌ها به اساس روابط و شناخت به فراد می‌رسید.

به باور این استاد دانشگاه، اگر مشکل بورسیه‌ها حل نشود، سامانه تحصیلات جوانان صدمه می‌بیند.

آقای بختیاری افزود: با رشد دانشگاه‌های خصوصی و دولتی در کشور، زمینه تحصیلات تا مقطع لیسانس

۸۰ درصد معتادان پس...

بیمارستان قرار داشته است.

وزیر دفاع افغانستان گفت: این بیمارستان محلی بوده که آنها می‌خواستند از آن به عنوان مکان امن استفاده کنند زیرا همه می‌دانند نیروهای امنیتی بین‌المللی و نیروهای ما در اقدام علیه یک بیمارستان احتیاط زیادی به خرج می‌دهند اما وقتی روی یکی از دیوارهای بیمارستان‌ها پرچم طالبان قرار داشته شما چه فکری می‌کنید.

وی خاطر نشان کرد: من می‌گویم که ساختمان این بیمارستان مورد استفاده افرادی بود که از آن برای درگیری استفاده می‌کردند چه این افراد متعلق به طالبان و چه سازمان اطلاعات ارتش پاکستان و چه هر کس دیگر بوده باشد.

۸۰ درصد معتادان پس...

مواد مخدر وزارت داخله افغانستان در پیوند به تداوی معتادین، کشت و جلوگیری از قاچاق مواد مخدر، در مجلس نماینده‌گان استجواب شدند.

فیروزالدین فیروز وزیر صحت عامه افغانستان در مورد ظرفیت تداوی معتادان گفت: «۱۱۵ مرکز تداوی معتادان در سراسر کشور موجود هستند که ۲۷ مرکز آن در کابل فعال است؛ این مراکز سالانه ظرفیت تداوی ۴۵ هزار معتاد را دارند.»

آقای فیروز افزود: ولایاتی چون لوگر، پکتیکا، سرپل، بادغیس، نورستان و پنجشیر تاهنوز مرکزی برای تداوی معتادین ندارند و کار برای فعال سازی مراکز در این ولایات ها جریان دارد. به گفته وی، کار تداوی معتادین به همکاری بیشتر سکتورهای دیگر دولتی نیاز جدی دارد.

وزیر صحت عامه خاطر نشان ساخت: «بیشتر از ۶۰ درصد معتادان تداوی شده در سراسر کشور دوباره معتاد شده اند و هم بیش از ۸۰ درصد معتادان که در روی جاده‌های کابل زندگی می‌کنند نیز یک بار تداوی شده اند.»

آقای فیروز گفت: «عدم اراده خود معتاد، دسترسی آسان به مواد مخدر، عدم آگاهی، نبود شغل، تنفیذ نشدن عدالت از دلایل عمده است که مریضان دوباره به مواد مخدر رو می آورند.»

او یاد آور شد: برای جمع آوری معتادان از سطح شهر در کابل، ایجاد یک خوابگاه یا مرکز را که هزینه زیادی هم نداشته باشد؛ پیشنهاد کرده است؛ اما وزارت مالیه به دلیل نبود بودجه نپذیرفته است.

بازمحمد احمدی معین مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله نیز گفت: در نتیجه تلاش‌های این اداره، در سال جاری کشت کوکنار حدود ۱۹ درصد کاهش یافته است.

آقای احمدی افزود: «در ۷ ماه گذشته در سال جاری، ۵۵.۶ تن مواد مخدر کشف و ضبط شده، ۱۶۸۲ نفر از قاچاقبران خرد و بزرگ در سرتاسر کشور بازداشت شده اند.»

او یادآور شد که در مناطق زیر اداره دولت، ترافیک مواد مخدر کمتر شده است.

به بیان وی، هم اکنون قطعات ویژه مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله در نبرد قندوز و بغلان مصروف جنگ هستند.

معین وزارت داخله همچنین در مورد انتقال مواد مخدر به زندان‌ها گفت: در نظر داریم تا پس از این ماموران آموزش دیده معینیت مبارزه با مواد مخدر برای جلوگیری از انتقال مواد به زندان، موظف شوند.

بر اساس آمار وزارت صحت عامه، حدود ۳ میلیون معتاد در افغانستان وجود دارند که حدود نصف این تعداد مستقیماً از انواع مواد مخدر استفاده می‌کنند و نصف دیگر به شکلی غیرمستقیم از مواد مخدر مصرف می‌کنند.

آمار ارایه شده، حاکی از این است که از ۱.۵ میلیون معتاد در کشور، حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد به هیرویین و مواد زرقی معتاد اند.

تایم:

ارتش پاکستان به دنبال افزایش نفوذ در دولت است



ارشد امنیت ملی پاکستان منصوب می‌شود؛ سمتی که بسیار استراتژیک و مهم است و این فرد به زودی در کنار نواز شریف، نخست وزیر کشورش به آمریکا می‌رود و در تمامی نشست‌های مهم نیز از این پس شرکت خواهد داشت.

این جنرال هفته گذشته بازنشسته شد و قرار است جای سرتاج عزیز، مشاور کنونی امنیت ملی پاکستان و همچنین مشاور نواز شریف در امور خارجی را بگیرد؛ البته سرتاج عزیز در سمت مشاور نخست وزیر در امور خارجی باقی می‌ماند.

سمت جدید این جنرال بازنشسته نظارت بر امور امنیتی پاکستان شامل مذاکرات با هندوستان است.

نواز شریف اغلب با رهبری ارتش مخالف بوده و در قبال اقدامات هندوستان نیز سازش پذیری را پیشه خود کرده است اما ارتش کشورش به دنبال راهکاری دیگر در قبال دهلی نو است.

به نوشته مجله تایم، یکی از مقام‌های ارتش پاکستان در این باره گفت: این اقدامی دیگر از سوی ارتش پاکستان در افزایش کنترل خود بر دولت این کشور است.

جنرال ناصر خان جان‌جوا به زودی در سمت مشاور

نشریه تایم در گزارشی عنوان کرد: انتصاب قریب الوقوع جنرال بازنشسته ارتش پاکستان در سمت مشاور امنیت ملی جدید این کشور به نظر تلاشی از سوی ارتش برای تثبیت نفوذ خود در دولت اسلام آباد است.

ما در کجای نظام قرار...

اظهار داشتند: مردم هرات به دلیل تبعیض بی‌شماری که رهبران حکومت وحدت ملی بر آن‌ها روا می‌دارند در رنج به سر می‌برند.

این نماینده‌گان هشدار دادند: این احتمال وجود دارد در صورت بی‌توجهی هرات حکومت وحدت ملی به ولایت هرات، نیروهای نظامی و امنیتی این ولایت نیز اعتراض کنند.

غلام‌فاروق مجروح یکی از نماینده‌گان مردم ولایت هرات در نشست علنی این مجلس گفت: با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی، هیچ یک از ساکنان هرات در پست‌های مهم امنیتی نصب نشده‌اند و حکومت بیشترین کم‌توجهی را در طول چند دهه اخیر به ولایت هرات و مردم آن از خود نشان داده است.

وی افزود: در روزهای اخیر یکصد جنرال در ولایت‌های مختلف افغانستان در نهادهای امنیتی منصوب شدند، که هرات سهمی از آن نداشته است.



پلاتینی:

خجالت آور است که موجب بدنامی من شدند



رئیس فرانسوی اتحادیه فوتبال اروپا معتقد است که اتهامات موجب بدنامی او شده است.

به گزارش مارکا، در هفته‌های اخیر کمیته اخلاق فیفا میشل پلاتینی را ۹۰ روز از هرگونه فعالیت مرتبط با فوتبال محروم کرد. نایب رئیس فیفا که از این شرایط ناراحت است، گفت: من را سه ماه محروم کردند اما بیشتر به خاطر این عصبانی هستم که من را با دیگران یکی دانستند. خجالت‌آور است که نامم را خدشه‌دار کردند.

پلاتینی علی‌رغم محرومیت همچنان به عنوان نامزد ریاست فیفا باقی مانده است. او درباره ۱.۸ میلیون یورویی که رئیس فیفا به او پرداخت کرده است، اظهار کرد: این یک موضوع بین دو مرد بود و یکی از طرفین سب بلاتر رئیس فیفاست. او مقام بالایی دارد چون همه به او اعتماد داشتند و او را به عنوان رئیس فیفا برگزیدند، قرارداد شفاهی او همچون نسخه نوشته شده از ارزش برخوردار است.

بر اساس اظهارات پلاتینی، زمانی که او دیگر سمت مشاور رئیس فیفا را بر عهده نداشت بلاتر در کشور سنگاپور این مبلغ را به او پرداخت کرد و از پلاتینی پرسید چه مقدار پول می‌خواهی و مرد فرانسوی در پاسخ گفت که یک میلیون می‌خواهد اما نوع پول را مشخص نکرد. بلاتر یک میلیون به فرانک سوییس را بالا عنوان کرد و گفت که باید آن را کاهش دهد. پلاتینی در ادامه گفت: بلاتر ۳۰۰ هزار فرانک سوییس (۲۷۷ هزار یورو) به من پول داد. قرار شد بقیه این پول را بعداً پرداخت کند که هرگز این اتفاق نیفتاد. او افزود: من کسی هستم که به پول اهمیتی نمی‌دهم و زمانی که در سال ۱۹۹۲ سرمربی تیم ملی فرانسه بودم، رئال مادرید به من پیشنهادی داد و یک چک سفید امضا برابر من قرار داد که من به خاطر سفید امضا بودن آن را نپذیرفتم.

رقابتی‌ترین لالیگا در ۲۰ سال اخیر

در فصل ۲۰۱۵-۱۶ رقابت نزدیکی بین تیم‌های بالای جدول لیگ فوتبال اسپانیا وجود دارد که در ۲۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است.

به گزارش مارکا، هشت هفته از لالیگا گذشته است و سه تیم بالای جدول، ۱۸ امتیاز کسب کردند که گل‌های زده رتبه‌های اول تا سوم را مشخص کرده است. رئال مادرید، سلتاویگو و بارسلونا، سه تیم هم امتیاز ابتدای فصل لالیگا هستند.

باید به ۲۰ سال پیش رجوع کرد تا شرایط مشابهی را مشاهده کرد. در فصل ۹۴-۱۹۹۳ سه تیم بارسلونا، والنسیا و رئال سوسیداد با ۱۲ امتیاز رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده بودند و در نهایت آبی اناری پوشان قهرمان شدند.

مردان رافائل بتیس، صدر جدول را به خاطر گل‌های خورده کمتر به خود اختصاص داده‌اند. رئال مادرید در هشت بازی، تنها دو گل دریافت کرده است که آنها خارج از خانه بوده‌اند. کیلور ناواس با درخشش در دروازه رئال، نزد هواداران محبوبیت زیادی پیدا کرده است و مادریدی‌ها به او اعتماد پیدا کرده‌اند.

سلتاویگو امتیاز مثبتی نسبت به دیگر تیم‌ها دارد. مردان بریسو تاکنون از هیچ تیمی شکست نخورده‌اند. آن‌ها در بازی‌های خانگی نیز از دیگر تیم‌ها برتر هستند. سه پیروزی



و یک تساوی، آمار این تیم در بازی‌های خانگی است. نولیتو، مهاجم سلتا همچون کریستیانو رونالدو، ۶ گل به ثمر رسانده است.

بارسلونا بیشترین پیروزی را در میان تیم‌های دیگر به دست آورده است. آبی اناری پوشان ۶ بار پیروز شدند اما دوبار از میزبانان شان شکست خورده‌اند. بارسلونا که منتظر است تا لیونل مسی، آسیب دیدگی را پشت سر گذاشته و به ال کلاسیکو برسد، این روزها با گلزنی مهاجم برزیلی‌اش یعنی نیمار دلخوش است.

اما اگر بخواهیم به رتبه‌های پایین‌تر جدول نگاه کنیم، اتلتیکو مادرید و ویارئال، هر یک با ۱۶ امتیاز جایگاه‌های چهارم و پنجم را به خود اختصاص داده‌اند. اتلتیکو که بازی‌های سختی را از ابتدای فصل پیش‌رو گذاشته است، برابر سویا و اتلتیک بلبائو پیروز شد و تنها شکست این تیم در ورزشگاه ویسته کالدرون برابر بارسلونا رقم خورد.

ویارئال دو هفته در صدر جدول قرار داشت. سلتاویگو این جایگاه را از این تیم گرفت اما ویارئال با این رتبه شانس حضور در رقابت‌های اروپایی را خواهد داشت و مردان مارسلینو امیدوار هستند تا به رتبه‌های پایین‌تر سقوط نکنند.

پلاتینی درباره فعالیت‌های خود در فیفا اظهار کرد: خیلی زیاد کار کردم و افراد زیادی برای شهادت وجود دارند. تنها کاری که در حال حاضر می‌توانم انجام دهم این است که فیفا را مثل گذشته به خانه فوتبال تبدیل کنم اما هر بار که به روشنائی نزدیک می‌شوم آتش جدیدی برپا می‌شود. زمانی که چیزی سقوط می‌کند باید آن را کمک کرد تا بالا برود. او در پایان گفت: خیلی از افراد از فیفا رفته‌اند اما من قرارداد خود را تمدید کرده‌ام. باید همه چیز در فیفا تغییر پیدا کند اگر فیفا این کار را نکند FBI این تغییرات را انجام می‌دهد.

بنزما:

مردم فرانسه درباره من اشتباه می‌کنند



مهاجم فرانسوی تیم فوتبال رئال مادرید از نگرشی برخی از هموطنانش نسبت به او ابراز نارضایتی کرد.

در آستانه دیدار تیم‌های رئال مادرید و پاری سن ژرمن در مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا، کریم بنزما گفت که دوست دارد در پاریس بازی کند. مهاجم فرانسوی کهکشانی‌ها به بازی در پارک دو پرنس علاقه و برای تحت تأثیر قراردادن هموطنانش انگیزه دارد اما به این مسئله هم واقف است که اگر برای بازی چهارشنبه شب کاملاً آماده نباشد ممکن

است با انتقادات فراوانی مواجه شود. او در این خصوص به نشریه ژورنال دومانش گفت: من دارم با تمام توانم کار می‌کنم تا در سریع‌ترین زمان ممکن برگردم. دارم سخت تلاش می‌کنم که به بازی چهارشنبه شب در پاریس برسم اما نمی‌خواهم عجله کنم. می‌دانیم که برابر پاری سن ژرمن کار سختی داریم. PSG در این سال‌های اخیر پیشرفت و به انجام چنین بازی‌های بزرگی در لیگ قهرمانان اروپا عادت کرده است. هدف ما این است که در گروه‌مان صدرنشین شویم. بنزما در ادامه به شایعاتی که درباره آینده او احتمال خروجش از سانتیاگو برنابو ساخته شده است اشاره داشت. وی تأکید کرد: چرا باید از رئال مادرید بروم؟ من در بهترین باشگاه دنیا، بازیکن ترکیب اصلی‌ام و از این بابت بسیار خوشحال هستم. مهاجم پیشین لیون اعتراف کرد به طور جدی احساس می‌کند در کشورش مردم او را پایین‌تر از چیزی که واقعاً هست، می‌دانند. او گفت: وقتی مردم درباره‌ام حرف می‌زنند این حس به من القا می‌شود که همه آنها می‌توانستند افتخاراتی که من با رئال مادرید کسب کرده‌ام را داشته باشند. آنها اشتباه می‌کنند.

بنزما ۲۷ ساله درباره شانس موفقیت پاری سن ژرمن در این فصل از لیگ قهرمانان اروپا نیز گفت: PSG هم مثل ما می‌تواند قهرمان این رقابت‌ها شود. پاری سن ژرمن تیمی است که با سرعتی بالا دارد پیشرفت و فاصله‌اش را با دیگر مدعیان کم می‌کند. این تیم تا الان در مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا با تیم‌هایی قدرتمندتر از خودش مواجه شده است اما خوب می‌شود اگر تیمی از فرانسه هم به مراحل پایانی راه پیدا و برای مدعیان بزرگ اروپا مزاحمت ایجاد کند. سال ۲۰۰۶ ما در لیون بازیکنان بزرگی داشتیم اما در میلان باختیم چون آن فاکتور خاصی که تیم‌های بزرگ را از سایرین متمایز می‌کند نداشتیم.

فن‌خال:

احمق نیستم به ترکیب تیم برنده دست بزنم

سرمربی تیم فوتبال منچستر یونایتد دلایل خود را برای نیمکت‌نشین کردن هموطنش در بازی خارج از خانه مقابل اورتون توضیح داد.

لویی فن‌خال، شکست هفته گذشته تیم ملی هلندی برابر جمهوری چک که باعث ناکامی این تیم برای رسیدن به مرحله نهایی یورو ۲۰۱۶ شد را یکی از دلایل نیمکت‌نشین شدن ممفیس دپای و دالی بلیند در بازی شنبه شب شیاطین سرخ برابر اورتون دانست.

فن‌خال اعتراف کرد نگرانی از وضعیت دو هموطنش بعد از باخت خانگی هلند، سبب شده است که در گودیسون پارک به آنها میدان ندهد.

وی دلایل خود برای قرار ندادن دپای و بلیند در ترکیب

اصلی شیاطین سرخ را اینگونه توضیح داد: ترکیب اصلی که (برای بازی برابر اورتون) انتخاب کردم به برنامه‌مان برای بازی، به توانایی و ویژگی‌های بازی حریف و همچنین به باخت تیم ملی هلند مرتبط بود. منچستر یونایتد چهارشنبه شب در دور سوم از بازی‌های مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا به مصاف زسکامسکو می‌رود. فن‌خال اعتراف کرد برای این بازی هم احتمالاً دوباره به دپای و بلیند میدان نخواهد داد. او اظهار داشت: وقتی تیمم در بازی برابر اورتون خوب کار کرد، احمق نیستم که در ترکیب آن برای بازی چهارشنبه تغییرات زیادی اعمال کنم. فن‌خال چندی پیش به دپای در خصوص بازی‌های

ضعیف و عدم سازگاری‌اش با شیوه بازی منچستر یونایتد هشدار داد و اعلام کرد که دستیار خود، رایان گیگز را مأمور کرد است که بال پیشین آینه‌هون را نصیحت کند تا به سرنوشتی مثل سرنوشت آنخل دی‌ماریا در اولدترافورد دچار نشود.



نسخه چینی باراک اوباما

دقیقه‌ی ۱۵۰ دالر در آمد کسب می‌کند!



در سال ۲۰۱۲ شرکت کرد. این حضور او باعث شد که پیشنهاد بازیگری در یک فیلم کمدی به زبان چینی را نیز دریافت کند. او پیش از روی آوردن به اجرا و نمایش حدود یک دهه نگهبان یک کارخانه بوده است.

در حالی که کشور چین به تولید نسخه‌های بدلی اجناس برندهای معروف شناخته شده است، یک فرد چینی نیز در این کشور که ظاهری بسیار شبیه رییس جمهور امریکا داشته و نسخه چینی باراک اوباما است، کار و کاسبی پررونقی به راه انداخته است. به گزارش شبکه ان بی سی، این فرد چینی با نام «شیائو جیگوتو» به دلیل شباهت به باراک اوباما در مراسم مختلف اعم از مهمانی‌های شرکت‌ها و گردهمایی‌های خصوصی پول خوبی درمی‌آورد. او برای هر ۱۰ دقیقه اجرا معادل ۱۵۰۰ دالر پول می‌گیرد. وی که ۲۹ سال سن دارد اولین بار در سال ۲۰۰۸ فهمید که چهره‌اش شبیه به باراک اوباما است که در آن زمان به تازگی رئیس جمهور امریکا شده بود. وی اظهار کرد: یک روز من به دلیل گرم بودن هوا موهای خود را تراشیدم و یکی از همکارانم که اتفاقات ریاست جمهوری امریکا را دنبال می‌کرد، به من گفت تو خیلی شبیه باراک اوباما هستی. من در آن زمان اصلا نمی‌دانستم که اوباما چه کسی است. این فرد چینی در عین حال که ظاهری شبیه به اوباما دارد همچنین تلاش می‌کند که مثل او نیز حرف بزند. شیائو اظهار کرد: من نمی‌توانم انگلیسی صحبت کنم و همواره در مراسم ادای انگلیسی حرف زدن را در می‌آورم. از نظر کسانی که انگلیسی حرف نمی‌زنند حرف زدن من شبیه زبان انگلیسی است اما من خودم هم نمی‌دانم که چه می‌گویم! وی اظهار امیدواری کرد که اگر یک روز باراک اوباما را ببیند از او تشکر خواهد کرد. شیائو اظهار کرد: اگر یک روز من شانس دیدار با باراک اوباما را داشته باشیم از او تشکر می‌کنم. من فکر می‌کنم که میان ما یک نزدیکی‌ای وجود دارد چراکه گروه خونی ما یکی بوده و تاریخ تولدمان نیز به هم نزدیک است. شیائو بعد از آن در چین شهرت پیدا کرد که در نمایش تلویزیونی استعدادهای چینی

کیسینجر: خاورمیانه در حال فروپاشی است



وزیر خارجه سابق امریکا ضمن هشدار نسبت به اینکه خاورمیانه در حال فروپاشی است، تاکید کرد که مبارزه با داعش در خاورمیانه اولویت اصلی است و از بین بردن این گروه تروریستی مهم‌تر از براندازی نظام بشار اسد است. هنری کیسینجر، وزیر خارجه سابق امریکا در مقاله‌ای که روزنامه «وال استریت ژورنال» آن را منتشر کرد، درباره اوضاع وخیم خاورمیانه و بحران‌هایی که امنیت و ثبات منطقه را بر هم زده است صحبت کرد. وی گفت: هنوز مناقشه بر سر طرح مشترک بین المللی برای اجرای توافق هسته‌ای ایران و غرب جهت حفظ ثبات خاورمیانه آغاز نشده بود که چارچوب ژئوپولیتیک منطقه شروع به فروپاشی کرد. این مسئول سابق امریکایی گفت: «مداخله» نظامی روسیه در سوریه جدیدترین عوارض از هم فروپاشی نقش امریکا در حفظ ثبات خاورمیانه است؛ نقشی که امریکا از زمان جنگ عرب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ آن را ایفا کرده است. مصر در پی جنگ مذکور روابط نظامی خود با شوروی سابق را کنار گذاشت و به مذاکرات صلح با اسرائیل با نظارت امریکا پیوست. در نتیجه معاهده صلح میان مصر و اسرائیل و معاهده دیگری میان اردن و اسرائیل امضا شد. وی درباره بحران‌های فعلی منطقه خاورمیانه نیز گفت: چهار کشور لیبی، یمن، سوریه و عراق از تنش و آشوب زیادی در منطقه رنج می‌برند این کشورها از سوی جریان‌هایی هدف قرار گرفته‌اند که می‌خواهند حاکمیت خود را تحمیل کنند. این مسئول سابق امریکایی گفت: داعش می‌خواهد دولت «خلافت اسلامی» به جای دولت‌هایی بر پا کند که در نظام جهانی تعریف شده‌اند.

وی مدعی شد: «ایران از بازیگران دیگری حمایت می‌کند که نماینده گروه‌های «جهادی» در منطقه هستند همانطور که در حال حاضر شاهد این مساله درباره حزب الله، حماس و حوثی‌ها هستیم.» وزیر خارجه سابق امریکا گفت: «خاورمیانه با چهار خطر اصلی مواجه است که به فروپاشی منطقه هشدار می‌دهند و مهم‌ترین آن بلندپروازی‌های ایران برای احیای نقش امپراتوری ایرانی، تلاش گروه‌های تندرو برای سرنگونی ساختارهای سیاسی کشورها درگیری‌های داخلی و فشارهای داخلی ناشی از تنش‌های سیاسی و اقتصادی محلی است.»

کیسینجر تاکید کرد: سرنوشتی که سوریه به آن دچار شده است نمونه واضحی برای تناقضاتی است که خاورمیانه از آن رنج می‌برد. کاهش نقش امریکا در منطقه موجب ورود نظامی روسیه در خاورمیانه شد. سیاست‌های امریکا در منطقه موجب تردید برخی همپیمانان امریکا در خاورمیانه خواهد شد همچنین این نگرانی وجود دارد که برخوردی میان نیروهای امریکا و روسیه در منطقه به وجود بیاید. وی تصریح کرد: اوضاع کنونی شبیه اوضاعی است که به جنگ جهانی اول منجر شد البته با این تفاوت که جنگ جهانی اول با سلاح کلاسیک انجام شد.

کیسینجر از امریکا خواست تا با جدیت برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و منع گسترش چنین سلاحی در میان کسانی که به دستیابی به آن چشم دوخته‌اند گام بردارد. وی گفت: شکست داعش اولویت اصلی در خاورمیانه است. نابودی داعش مهمتر از برکناری بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه است. باید با داعش جنگید و مناطقی را که به کنترل خود درآورده از این گروه پس گرفت؛ چرا که ممکن است این مناطق به پناهگاه‌های امنی برای تروریست‌ها در جهان تبدیل شود.

آغاز بزرگ‌ترین رزمایش یک دهه اخیر ناتو در مدیترانه

برخی از ارشدترین مقامات ائتلاف ناتو امروز برای نمایش هوایماها و هلی‌کوپترهای نظامی حاضر در مانور به یک پایگاه هوایی در جنوب ایتالیا می‌روند تا به سوالات درباره اینکه چطور می‌خواهند به تهدید روسیه در سمت شرق ناتو واکنش نشان دهند، پاسخی داده باشند. آدام توماس، نماینده انگلیس در ناتو گفت: ناتو برای منطقه جنوبی‌اش یعنی منطقه‌ای که از عراق تا شمال آفریقا دچار بی‌ثباتی شده به استراتژی نیاز دارد. ما همچنین به توافقی جامع در ناتو درخصوص رویکرد طولانی مدت نسبت به روسیه نیاز داریم. از روسیه که اوایل ماه جاری میلادی با بیش از ۴۵ هزار نیرو مانورهای بزرگی انجام داده و پیش از حملات هوایی‌اش در سوریه مانورهایی را در مدیترانه برگزار کرده، دعوت شده تا به تماشای این مانور بیاید.

پس از یک دهه از عملیات نظامی تحت رهبری ناتو در افغانستان، این ائتلاف نظامی به رهبری امریکا در حال حاضر به دفاع از قلمرو خود پرداخته و به دنبال الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ میلادی، توجه‌اش به جناح شرقی خود معطوف شده است.

بخش اعظم تلاش‌های ناتو برای اطمینان دادن به اعضای شرقی و جدیدتر خود صورت می‌گیرد تا به آن‌ها ثابت کند که این ائتلاف می‌تواند مانع هرگونه حمله روسیه شود. فروپاشی لیبی، ظهور داعش، جنگ داخلی سوریه و ناکامی اتحادیه اروپا در ایجاد ثبات در کشورهای جنوبی اروپا جزء مشکلات کنونی ناتو به حساب می‌آیند. ترکیه نیز که یکی از اعضای ناتو است و مرزهای مشترکی با سوریه و عراق دارد درگیر مشکلات بسیاری شده است.

مداخله روسیه در سوریه مساله را پیچیده کرده و توانایی ناتو را برای جلوگیری از حملات جدید مسکو بدون رویارویی مستقیم به بوته آزمایش گذاشته است. تلاش‌های ناتو در منطقه شرقی‌اش موجب ایجاد نیروی واکنش سریع پنج هزار نفری شده که می‌تواند در عرض کمتر از یک هفته در مکان تعیین شده مستقر شود.

وی ادامه داد، چین تلاش‌هایش برای صلح و توسعه جهانی را برای این تشدید نکرده که پلیس جهان شود و جای کشور دیگری را بگیرد. چین هرگز به دنبال برتری، توسعه طلبی یا تحمیل اراده اش به کشورهای دیگر نیست. قرار است رییس جمهور چین تا چند روز آینده به دعوت ملکه انگلیس به این کشور سفر کند.



همزمان با تلاش‌های روسیه برای اثبات مجدد قدرت خود در آب‌های شرق مدیترانه، ناتو و متحدانش روز دوشنبه بزرگترین مانور نظامی خود در یک دهه اخیر را با هدف نمایش قدرت در مرکز مدیترانه آغاز کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، اگرچه این مانورها مدت‌ها پیش از حضور نظامی روسیه در سوریه برنامه‌ریزی شده و مستقل از رویدادهای اخیر است، اما اجرای آن در چنین زمانی می‌تواند باعث نگرانی روسیه شود. اکنون تشدید درگیری در سراسر شمال آفریقا و خاورمیانه ناتو را به چالش کشیده تا به تهدیدهای متعدد و چندگانه در مرزهایش واکنش نشان دهد. ناتو و متحدانش با اعزام ۳۶ هزار نیرو، ۲۳۰ یگان نظامی، ۱۴۰ هواپیما و بیش از ۶۰ فروند کشتی - به مدت پنج هفته می‌خواهند نشان دهند که می‌توانند در جهانی «تاریک‌تر و خطرناک‌تر» - چنانکه مایکل فالون، وزیر دفاع انگلیس گفته - فعالیت کنند.



رییس جمهور چین:

نمی‌خواهیم جای امریکا را به عنوان «پولیس جهان» بگیریم

این مقام ارشد چین گفت، کشورش با افزایش کلی قدرتش می‌تواند نقشی فعال‌تر در امور منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند. وی افزود: سیاست‌های ارتش چین مبتنی بر راهبرد دفاع از خود هستند. رییس جمهور چین در عین حال خاطر نشان کرد: باید مشکلات داخلی کشورهای جهان بدون مداخله نیروهای خارجی حل‌وفصل شوند. شی جینپینگ اظهار کرد: چین پیرو اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر بوده و معتقد است مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی باید از طریق راه‌های صلح‌آمیز حل‌وفصل شوند.

رییس جمهور چین در آستانه سفر خود به انگلیس اطمینان داد کشورش به دنبال فرصتی برای جانشینی امریکا به عنوان «پلیس جهان» نیست. به گزارش خبرگزاری رویترز، شی جینپینگ رییس جمهور چین در مصاحبه‌ی بی‌بی‌سی این خبرگزاری گفت: چین به رغم رشد سریع اقتصادی و بر خلاف ادعای مقام‌های امریکا هیچ بلندپروازی برای تسلط بر جهان ندارد. رییس جمهور چین اظهار کرد: پکن همواره یک نیروی حامی صلح در جهان، توسعه مشترک و همکاری بین‌المللی بوده و هست و خواهد بود.